

خصوص است. اما آنچه در این نوشتار خواهد آمد، بررسی روایاتی است که امام رضا علیه السلام آن‌ها را فراروی ما نهاده است.<sup>۱</sup>

در این روایات، موضوعات متعددی درباره امام مهدی علیه السلام بیان شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اسم و نسب امام؛ توان جسمی امام؛ برخی صفات امام؛ پنهان بودن ولادت امام؛ روشن بودن نسب امام و اینکه آن حضرت منتسب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند؛ غیبت امام؛ نهی از بیان نام حضرت در عصر غیبت یا در تمام دوران؛ فضیلت انتظار و منتظران؛ فرج مومنان به وسیله آن جمال رشید و ظهور نورانی؛ وضعیت شیعه و شرایط سختی که در عصر غیبت به سر می‌برند؛ قربانی شدن شیعیان و کشتن و خون ریزی‌های پیش از ظهور؛ شباهت‌ها بین امام مهدی علیه السلام و بین پیامبران علیهم السلام؛ خوراک و لباس امام علیه السلام؛ خروج سفیانی، یمانی و پرچم‌های مصر؛ نقش حضرت خضر علیه السلام در دوران غیبت و اینکه آن حضرت مونس تنهایی امام مهدی علیه السلام است؛ سپاه امام مهدی علیه السلام و یارانش از فرشتگان؛ سختی‌های زندگانی در ایام ظهورش؛ اقتدای عیسی روح الله علیه السلام در نماز گزاردن به آن حضرت؛ رجعت و تکالیف مومنان برابر امام مهدی علیه السلام که از جمله مهم‌ترین آن‌ها دعا و کثرت دعا برای آن حضرت و توسل به حضرتش در سختی‌ها است.

۱. بیش از سی و پنج تا چهل روایت از امام رضا علیه السلام در این باره وارد شده است که از قرن سوم تا کنون عالمان حدیث مانند فضل بن شاذان، ثقة الاسلام کلینی در کتاب شریف کافی، صدوق در کتاب های کمال الدین، عیون أخبار الرضا علیه السلام، علل الشرایع و امالی؛ مرحوم کشی در رجال خود بنا بر آنچه در کتاب اختیار معرفة الرجال آمده است، نعمانی در کتاب الغیبة، حرانی در تحف العقول، محمد بن جریر طبری شیعی در دلائل الامامة و در طبقه های بعدی اربلی در کشف الغمته، طبرسی در اعلام الوری و قطب الدین راوندی در الخرائج و الجرائع آن‌ها را نقل کرده‌اند. تألیفات امامیه تا زمان ما در باره امام مهدی علیه السلام پر از این انوار درخشنده و کلمات نورانی است که از امام رضا، عالم آل محمد علیه السلام روایت شده است.

## ضرورت وجود امام در هر عصر

مطالب بنیادین آغازین مسأله ضرورت وجود امام است که امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

لو خلت الأرض طرفة عين من حجة لساخت بأهلها؛ (صفار، ۱۴۰۴: ص ۴۸۹)  
اگر زمین به اندازه یک چشم به هم زدن از حجت خدا خالی شود، اهلیش را فرو خواهد برد.

## نام و نسب امام مهدی علیه السلام

همچنین امام درباره ویژگی‌ها و مشخصات فردی امام دوازدهم می‌فرماید:

الخلف الصالح من ولد أبي محمد الحسن بن علي و هو صاحب الزمان وهو المهدي  
(بغدادی، ۱۴۰۶: ص ۲۰۰)؛

خلف صالح، از نسل ابی محمد، حسن بن علی همان صاحب الزمان، مهدی است.

امام در این روایت به ولادت سومین از فرزندان، امام حسن عسکری و اینکه خلف صالح، صاحب الزمان و مهدی علیه السلام از فرزندان آن حضرت است، اشاره کرده، تأکید می‌نماید که مهدی علیه السلام پسر امام حسن عسکری علیه السلام است.

ریان بن صلت: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «شما صاحب الامر هستید؟» فرمود:

« من هم صاحب الامر ولی آن صاحب الامر نیستم که زمین را پر از عدالت کند چنانچه پر از ستم شده است و چگونه او باشم با اینکه می‌بینی بدنم لاغر است ولی قائم آنست که چون ظهور کند در سن پیرانست و سیمای جوانان را دارد، نیرومند باشد تا بجائی که اگر دست به بزرگترین درخت زمین اندازد آن را از جا بکند و اگر میان کوهها فریاد کشد سنگهای آنها از هم بپاشد؛ با او است عصای موسی و خاتم سلیمان علیه السلام، او چهارمین فرزند من است، خدا او را زیر پرده خود دارد تا بخواهد، سپس او را ظاهر کند تا زمین را پر از عدل و داد کند؛ چنانچه پر از جور و ستم شده است.<sup>۱</sup>»

۱. أنا صاحب هذا الامر ولكنني لست بالذي أملوها عدلاً كما ملئت جوراً. و كيف أكون ذلك على ما

در نقل طبرسی، عبارت زیر در آخر این روایت آمده است:

... گویا که ایشان را می‌بینم که به شدت و در این هنگام مأیوسند که ندا داده شوند ندا کردنی که هر شنونده‌ای آنرا می‌شنود از دور همچنان که شنیده می‌شود از نزدیک، او رحمت مؤمنان باشد و عذاب کافران. (طبرسی، بی‌تا: ص ۴۳۴)

ابو صلت هروی به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: «هنگام ظهور، ویژگی‌های قائم شما علیه السلام چیست؟ فرمود:

علامته أن یکون شیخ السن. شاب المنظر حتی أن الناظر إلیه لیحسبه ابن أربعین سنة أو دونها و إن من علاماته أن لایهرم بمرور الأيام و اللیالی حتی یأتیه اجله؛ نشانه‌اش این است که در سن پیری است و جوان می‌نماید، تا آنکه هر کس او را ببیند، گمان برد که چهل سال یا کمتر دارد. نشانش این است که به گذشت روزگار، پیر نشود، تا مرگش رسد. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵)

آنچه داوود رقی روایت کرده که قائم علیه السلام هفتمین از فرزندان امام باقر علیه السلام است نیز بر مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری تطبیق می‌شود. داوود رقی، به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد: «فدایت شوم! به خدا قسم! در دلم هیچ شکی درباره امامت شما نیست، جز حدیثی که ذریح از حضرت باقر نقل کرده است» فرمود: «چه حدیثی؟» گفتم: «شنیدم از او که می‌فرمود: هفتمین ما قائم ما است؛ ان شاء الله».

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «راست می‌گویی و ذریح راست گفته است و حضرت باقر نیز راست گفته است». شک من زیادتر شد. آن گاه فرمود: «داوود! اگر موسی به خضر نمی‌گفت: «سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا؛ اگر خدا خواست مرا شکیبا

....→

تری من ضعف بدنی، و إنَّ القائم هو الذی إذا خرج کان فی سنّ الشیوخ و منظر الشبان. قویاً فی بدنه حتی لومدّ یده إلى أعظم شجرة علی وجه الأرض لقلعها ولو صاح بین الجبال لتدکدکت صخورها یکون معه عصا موسی و خاتم سلیمان. ذاک الرابع من ولدی یغیبه الله فی ستره ما شاء ثم ینظره فیملاً (به) الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً؛ (کمال‌الدین ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱).

خواهی یافت». از خضر درباره چیزی نمی‌پرسید. همین طور حضرت باقر که اگر نمی‌فرمود: «ان شاء الله، همان بود که گفته بود». در این موقع، به امامت آن جناب یقین پیدا کردم. (کشی، : ۱۳۴۸ ص ۳۷۳)

پس این روایت به پیدایش زمینه انحرافی که پس از وفات امام کاظم علیه السلام به وجود آمد که همان توقف بر امامت امام کاظم است، اشاره می‌کند. برخی پنداشتند آن حضرت همان مهدی غایب است و امامت امام رضا علیه السلام را انکار کردند. احتمالاً داوود رقی نیز متأثر از همین فضای ناسالم بوده که پس از این بیان و توضیح امام، از انحرافش باز گشته، به امامت امام رضا علیه السلام یقین پیدا کرد.

نکته دیگر در این باب، پنهان بودن ولادت حضرت است. ایوب بن نوح گوید به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: «من امیدوارم شما صاحب الامر باشید و خدا امر امامت را بدون شمشیر و خون ریزی به شما رساند؛ زیرا برای شما (به ولایت عهدی مأمون) بیعت گرفته شده و به نام شما سکه زده‌اند». حضرت فرمود:

ما منا أحدٌ اختلفت إليه الكتب و أشير إليه بالأصابع و سئل عن المسائل و حملت إليه الأموال إلا اغتيل أو مات على فراشه، حتى يبعث الله لهذا الأمر غلاماً منا خفياً الولادة و المنشأ، غير خفي في نسبه؛

هیچ کس از ما خاندان نیست که مکاتبات داشته باشد و با انگشت به سویش اشاره کنند و از او مسأله بپرسند و اموال برایش برند، جز اینکه یا ترور شود یا در بستر خود بمیرد [یا با شمشیر کشته شود یا با زهر]، تا زمانی که خدا برای این امر [امامت] کودکی را از ما خاندان مبعوث کند که ولادت و وطن او نهان است؛ ولی نسبت و دودمانش نهان نیست. (کلینی، : ۱۳۶۵ ج ۱، ص ۳۴۱)

### غیبت حضرت مهدی علیه السلام

موضوع غیبت امام مهدی علیه السلام نیز یکی دیگر از موضوعات مطرح شده در روایات امام رضا علیه السلام است. در این باره حسن بن قیاما صیرفی می‌گوید: سال ۱۹۳ به حج مشرف شدم. از ابو الحسن امام رضا علیه السلام پرسیدم: «فدایت شوم! پدرت چه شد؟» فرمود: «همانند پدرانش در گذشت». عرض کردم: «پس با روایت یعقوب بن

شعیب که از ابو بصیر نقل شده است چه کنم که می‌گویید امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر کسی به شما خبر داد این پسر مرده و کفن شد و در قبر گذاشته شده و دستشان را از خاک قبرش تکان دادند، او را تصدیق نکنید». امام فرمود: «ابو بصیر دروغ گفته است. امام صادق به او چنین نگفته است. او گفته: اگر کسی از صاحب این امر، چنین خبری آورد<sup>۱</sup>».

به نظر می‌رسد این حدیث را واقفیه به ابوبصیر به دروغ نسبت دادند، تا بتوانند عقیده باطل خود را که همان غیبت امام کاظم علیه السلام و اینکه آن حضرت، امام مهدی است و غایب می‌شود، رواج بدهند.

مسأله به زبان آوردن نام حضرت در عصر غیبت نیز در روایات حضرت رضا علیه السلام به چشم می‌خورد؛ به طوری که ریان بن صلت گوید: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که چون راجع به قائم سؤال شد، فرمود: «شخص او دیده نشود و نامش برده نشود<sup>۲</sup>». همچنین ریان بن صلت می‌گوید: شنیدم از امام رضا علیه السلام که: «قائم مهدی، پسر حسن است که شخصش دیده نشود و پس از غیبتش کسی نامش را نبرد، تا همه او را ببینند و نامش اعلان شود و همه آن را بشنوند». پس به ایشان عرض کردیم: «ای آقای ما! اگر چه بگوییم صاحب غیبت و صاحب زمان و مهدی؟» فرمود: «این قبیل نام‌ها جایز است و من شما را از تصریح به نامش نهی کردم، تا بر دشمنان ما مخفی بماند و او را نشناسند<sup>۳</sup>».

۱. قلت فكيف أصنع بحديث حدثني به يعقوب بن شعيب عن ابي بصير أن ابا عبد الله عليه السلام قال إن جئكم من أخبركم أن ابني هذا مات و كفن و قُبر و نفصوا ايديهم من تراب قبره فلا تصدقوا به؟ فقال «كذب ابو بصير ليس هكذا حدثته إنما قال ان جئكم عن صاحب هذا الامر» (رجال الكشي، ص ۴۷۵، شماره ۹۰۲).

۲. عن الريان بن الصلت قال سمعت ابا الحسن الرضا عليه السلام يقول وسئل عن القائم فقال: «لا يري جسمه و لا يسمي اسمه» (كافي، ج ۱، ص ۳۳۳؛ كمال الدين، ج ۲، ص ۳۵).

۳. عن الريان بن الصلت قال: «سمعت الرضا عليه السلام يقول القائم المهدي عليه السلام بن الحسن لا يري جسمه و لا يسمي (سميه) بأسمه أحد بعد غيبته حتى يراه و يعلن بأسمه و يسمعه كل الخلق فقلنا له يا

دیدگاه علما در حکم بردن نام امام یعنی «م ح م د» و اینکه آیا این نهی، مخصوص زمان غیبت است یا مطلق و برای همیشه است یا مختص به زمان غیبت صغرا است، متفاوت است و ما بحث کاملی در دروس تخصصی خود بیان نموده و آن را در فصلی از فصل‌های کتاب *تا ظهور* منتشر کرده‌ایم و گفته‌ایم که دیدگاه ما با استفاده از ده‌ها روایت، حرمت نام بردن حضرت در زمان غیبت کبرا است. (طبسی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۴۵)

### انتظار فرج و فضیلت منتظران

حسن بن جهم از امام رضا علیه السلام در باره چیزی از گشایش پرسید و امام فرمود: «آیا نمی‌دانی که انتظار فرج، از فرج است؟» عرض کردم: «جز آنچه به من آموخته‌ای، چیزی نمی‌دانم. فرمود: «بله؛ انتظار فرج، از فرج است<sup>۱</sup>؛ یعنی همین که یک جامعه، به آینده روشن و گسترش عدالت و برچیده شدن بساط ظلم امید داشته باشد، این چنین جامعه و مردمی با مشکلات دست و پنجه نرم کرده و بر آن چیره شده و به اصطلاح، خود را نمی‌بازند. بر افراد چنین جامعه‌ای، روح افسردگی حاکم نخواهد شد و آن‌ها را از پای در نمی‌آورد. همین معنا خود یک نوع گشایش می‌باشد.

در همین راستا محمد بن عبد الله می‌گوید: به ابو الحسن الرضا علیه السلام عرض کردم: قربانت شوم! پدر من از جدّ من روایت می‌کرد که جدّ شما گفته است: «در

....→

سیدنا و إن قلنا: صاحب الغيبة وصاحب الزمان و المهدي؟ قال هو كله جازي مطلق و إنما نهيتكم عن التصريح باسمه ليخفي اسمه عن أعدائنا فلا يعرفوه». (*الهداية الكبرى*، ۱۳۳۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۵) (درباره اعتبار کتاب *الهداية الكبرى* ر.ک: تأملی نو در نشانه‌های ظهور (۱) از نگارنده).

۱. عن الحسن بن الجهم قال: سألت أبا الحسن علیه السلام عن شيء من الفرج. فقال: «أو لست تعلم أن انتظار الفرج من الفرج؟ قلت: لا أدري إلا أن تعلمني. فقال: نعم، أنتظار الفرج من الفرج» (غیبت طوسی، ص ۴۵۹، ح ۷۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰، ب ۲۲).

جوار ما شهری است به نام قزوین که پایگاه مرزی است و جنگجویان در حال آماده‌باش دفاعی به سر می‌برند. برابر آنان، دشمنی است به نام دیلم که گهگاه از [داخل جنگل] سرازیر می‌شوند و بر سر مسلمانان می‌تازند». جد من پرسیده است: «آیا رخصت می‌دهید در جهاد با کفار یا آماده‌باش دفاعی شرکت کنیم؟» و جدّ شما گفته است: «بر شما باد که راه مکه را در پیش بگیرید و خانه خدا را زیارت کنید». جدّ من تا سه نوبت، وضعیت مرزی را تشریح کرده و رخصت دفاع خواسته است و جدّ شما در هر سه نوبت، همین پاسخ را تکرار کرده است که: «بر شما باد که راه مکه را در پیش بگیرید و خانه خدا را زیارت کنید» و در آخرین نوبت افزوده است که: «آیا شیعه ما رضایت نمی‌دهد که در خانه خود بنشینند و دارایی خود را برای اهل و عیال خود خرج کند و منتظر فرمان ما بماند؟ اگر شیعه ما زنده بماند و حکومت ما را درک کند، هم تراز کسانی است که در رکاب رسول خدا به جنگ بدر رفته‌اند. و اگر در حال انتظار بمیرد، هم تراز کسانی است که با قائم آل محمد قیام می‌کنند و در سراپرده او مانند این دو انگشت شهادت در کنار هم می‌نشینند». آیا این حدیثی که جدّ من از جدّ شما روایت کرده، صحیح است؟ ابو الحسن الرضا گفت: «آری؛ صحیح است و سخن حقّ، همان است که بازگو کرده است»<sup>۱</sup>.

این روایت، به دیدگاه امامان علیهم‌السلام دربارهٔ جنگ خلفا و فتوحاتشان اشاره دارد که راضی به مشارکت شیعیان در این جنگ‌ها نبودند. ما این مطلب را در مباحث

۱. محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قال: «قلت للرضا علیه‌السلام جعلت فداک إن ابی حدّثنی عن آبائک انه قیل لبعضهم ان فی بلادنا موضع رباط یقال له قزوین و عدوّاً یقال له: الدیلم. فهل من جهاد او هل من رباط؟ فقال: علیکم بهذا البیت فحجّوه ثم قال: فأعاد علیه الحدیث ثلاث مرات کل ذلك یقول: علیکم بهذا البیت فحجّوه. ثم قال فی الثالثة: اما یرضی احدکم ان یکون فی بینه ینفق علی عیاله ینتظر امرنا فان ادرکه کان کمن شهید مع رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدراً و ان لم یدرکه کان کمن کان مع قائمنا فی فسطاطه هکذا و هکذا و جمع بین سبائتیه فقال ابو الحسن علیه‌السلام صدق هو علی ما ذکر» (کافی، ج ۴، ص ۲۶۰، ح ۳۴؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۸۶).

اعتقادی خود متعرض شده و بیان کرده‌ایم که هیچ یک از امامان علیهم‌السلام با مشارکت شیعیان در این جنگ‌ها موافق نبودند و خودشان هم در هیچ جنگی شرکت نکردند.

طبری در تاریخ خود مدعی شرکت حسنین علیهم‌السلام در جنگ‌ها است. او طی نقلی با سند خود از علی بن مجاهد از حنش بن مالک می‌نویسد: در سال سی هجری سعید بن عاص به قصد فتح خراسان از کوفه لشکر کشی کرد و عده‌ای از صحابه، همانند حذیفه بن یمان و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام و عبد الله بن عباس نیز او را همراهی می‌کردند. (طبری، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۶۰۷)

در پاسخ و نقد این نظریه می‌گوییم:

اولاً. در سند این نقل علی بن مجاهد آمده است و درباره او علمای رجال اهل سنت همانند یحیی بن معین گفته‌اند: «او جعّال و وضّاع حدیث است و کتاب مغازی (جنگ نامه) نوشته و برای مطالب آن، سند جعل و ساخته است». بعضی دیگر نیز همانند یحیی بن ضریس او را کذاب و دروغ گو معرفی کرده‌اند. (عسقلانی، ۱۴۰۴: ج ۷، ص ۳۳۰)

ثانیاً. این نقل، با نقل سهمی در کتاب تاریخ جرجان منافات دارد؛ چون او به صراحت، شرکت امام حسن مجتبی علیه‌السلام را در فتح ایران و آمدن ایشان به این سرزمین را در غیر زمان امیر مؤمنان علیه‌السلام منکر شده، می‌گوید:

و ذکر عباس بن عبدالرحمن المروزی فی کتابه التاریخ: فقال قدم الحسن بن علی و عبد الله بن الزبیر اصبهان مجتازین إلی جرجان. فان ثبت هذا يدل علی أنه کان فی أيام أمير المؤمنين علی بن ابی طالب. (سهمی، ۱۴۰۱: ص ۴۸)

### فشار بر شیعه در دوران غیبت

یکی از ویژگی‌های دوران غیبت که در کلام امام رضا علیه‌السلام به آن اشاره شده، موضوع فشار بر شیعه در دوران غیبت است. علی بن فضال گوید: علی بن موسی الرضا علیه‌السلام فرمود: «گویی شیعه را می‌بینم که وقتی سومین فرزند مرا از دست

بدهند، مانند چارپایان، چراگاه می جویند و نمی یابند». عرض کردم: «یا ابن رسول اللّٰه! برای چه؟» فرمود: «برای آنکه امامشان از آن‌ها پنهان است». عرض کردم: «برای چه؟» فرمود: «برای آنکه چون با شمشیر قیام کند، بیعت کسی در گردنش نباشد<sup>۱</sup>».

این روایت به سرگردانی شیعه و انحراف تعداد بسیاری از نظر اعتقادی به سبب غیبت امام اشاره دارد؛ همچنان که در این روایت به علت غیبت اشاره کرده است. ما در بحث دربارهٔ علت غیبت، گفته‌ایم که این علت و علت‌های دیگری از این قبیل، چیزی جز بیان حکمت‌هایی در این خصوص نیست و امامان علیهم‌السلام در بیان سبب واقعی غیبت تا قبل از ظهور، مأذون نیستند؛ چنان که امام صادق فرمود: «لأمر لم يؤذن لنا فی کشفه لکم»؛ یعنی بدین سبب که به ما اجازه داده نشده است آن را برای شما فاش کنیم. (صدوق، همان: ج ۲، ص ۴۸۱)

#### شباهت‌های بین انبیا و امام مهدی علیه‌السلام

حسن بن قیاما صیرفی می گوید: از ابا الحسن امام رضا علیه‌السلام پرسیدم: «فدایت شوم! پدرتان چه شد؟» فرمود: «همانند پدرانش علیهم‌السلام درگذشت». عرض کردم: «پس با حدیثی که زرعه بن محمد حضرمی از سماعة بن مهران نقل کرده است، چه کنم که امام صادق علیه‌السلام فرموده است: در این پسر، شباهت به پنج تن از انبیا علیهم‌السلام است؛ همان طور که یوسف علیه‌السلام مورد حسد واقع شد، آن حضرت نیز مورد حسد واقع خواهد شد و همان طور که یونس غایب شد، آن حضرت نیز غایب خواهد شد و سه شباهت دیگر را ذکر کرد». امام فرمود: «زرعه دروغ گفته است. حدیث

۱. عن علی بن الفضال: عن ابی الحسن الرضا علیه‌السلام انه قال «کأنی بالشیعة عند فقدهم الثالث من ولدی کالتعم یطلبون المرعی فلا یجدونه. قلت له: و لم ذلک یابن رسول الله؟ قال: لأن امامهم یغیب عنهم. فقلت: ولم؟ قال: لتلا یكون لأحد فی عنقه بیعة اذا قام بالسیف» (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۰، ب ۴۴؛ علل الشرایع، ص ۲۴۵، ب ۱۷۹، ص ۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲، ب ۸، ح ۱).

سماعة این چنین نیست؛ بلکه گفته: صاحب این امر یعنی در قائم شباهت به پنج تن از انبیا است و نگفته: پسر<sup>۱</sup>». این مسأله را پیش تر، بیان کردیم و حدیث در مقام رد ادعای باطل واقفیه است.

### علائم ظهور

برخی روایات، نشان از آن دارد که قیام سفیانی و خروج یمانی، از نشانه‌های محکم ظهور حضرت حجت به شمار می‌آید.

احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: پیش از این امر، سفیانی و یمانی و مروانی و شعیب بن صالح باید ظاهر شوند. پس چگونه این شخص [محمد بن ابراهیم بن اسماعیل معروف به ابن طباطبا است] چنین ادعا می‌کند؟». (نعمانی، ۱۳۶۰: ص ۲۵۳)

یعنی ادعای مهدویت می‌کند و خود را قائم آل محمد می‌داند. همچنین حسن بن جهم، به امام رضا علیه السلام عرض کرد: «خداوند حال شما را به صلاح گرداند! آنان بازگو می‌کنند که سفیانی، در حالی قیام می‌کند که بساط سلطنت بنی عباس برچیده شده باشد» فرمود: دروغ می‌گویند. او قیام می‌کند و بساط سلطنت آنان هنوز برپا است<sup>۲</sup>».

۱. عن الحسن بن قیاما الصیرفی قال: «سألت ابا الحسن الرضا علیه السلام فقلت جعلت فداک. ما فعل ابوک؟ قال: مضی کما مضی آباؤه علیهم السلام. قلت فکیف: أصنع بحديث حدثنی به زرعة بن محمد الحضرمی عن سماعة بن مهران أن اباعبد الله علیه السلام قال إن ابنی هذا فیه شبه من خمسة أنبیاء: یحسد کما حُسد یوسف و یغیب کما غاب یونس و ذکر ثلاثة أخر قال: کذب زرعة لیس هکذا حدیث سماعة إنما قال صاحب الامر یعنی القائم فیه شبه من خمسة أنبیاء و لم یقل: ابنی» (رجال کشی، ص ۴۷۶، شماره ۹۰۴).

۲. عن الحسن بن الجهم قال للرضا علیه السلام: «اصلحک الله أنهم یتحدثون أن السفیانی یقوم و قد ذهب سلطان بنی العباس. فقال کذبوا انه لیقوم و ان سلطانهم لقائم» (غیبت نعمانی، ص ۳۰۳، ب ۱۸، ح ۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۱، ح ۱۳۹).

ظاهر برخی روایات این است که خروج سفیانی با حکومت بنی عباس مقارن خواهد بود و بعضی، این روایات را به برپایی دوباره حکومت عباسیان پیش از قیام امام مهدی علیه السلام حمل کرده‌اند. در این روایت نیز احتمال برپایی حکومت عباسیان پیش از سفیانی قابل استفاده است یا اینکه در این خصوصیت از سفیانی بداء حاصل شده است؛ چنانکه مرحوم مجلسی در *بحار الانوار* به آن اشاره کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ص ۲۵۱)

ابن اسباط نقل می‌کند که به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «فدایت شوم! ثعلبه بن میمون از علی بن مغیره و او از زید قمی (زید العمی) از امام زین العابدین علیه السلام برای من نقل کرد که فرموده است: «قائم ما در موسمی که مردم به حج روند، قیام کند» امام رضا علیه السلام فرمود: «آیا قائم بدون خروج سفیانی قیام می‌کند؟ قیام قائم ما از جانب خدا مسلم است و آمدن سفیانی هم حتمی است و قائم فقط پس از خروج سفیانی ظهور کند». عرض کردم: «فدایت شوم! آنچه فرمودی، امسال واقع می‌شود؟» فرمود: «هرچه خدا اراده کند، خواهد شد. عرض کردم: «در سال بعد چطور؟» فرمود: «خدا هرچه را بخواهد، انجام دهد». (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۲۱۷)

از دیگر نشانه‌های ظهور، آنکه معمر بن خلاد از حضرت رضا علیه السلام روایت کند که فرمود:

گویی پرچم‌های سبزرنگ را که از مصر رو آورده است، می‌بینم که به شامات آید و به فرزند صاحب وصیت‌ها هدیه کند.<sup>۱</sup>

شاید این روایت اشاره به سی نفر مؤمن مصری باشد که در روایات از آنان به «نجباء» تعبیر شده است.<sup>۲</sup>

۱. عن معمر بن خالد عن ابي الحسن علیه السلام قال: «كأني برایات من مصر مقبلات خضر مُصبغات حتى تأتي الشامات فتهدي الي ابن صاحب الوصيات» (ارشاد، ص ۲۶۰؛ *الصراف المستقيم*، ج ۲، ص ۲۵۰).  
۲. ر.ک: *الصراف المستقيم*، ج ۲، ص ۲۴۴؛ *الفاثق فی غریب الحدیث*، ج ۱، ص ۷۹.

همچنین برخی دیگر از روایات نیز از امام رضا علیه السلام نقل شده که ناظر به نشانه‌های ظهور می‌باشد؛ از جمله:

احمد بن محمد بن عیسی از احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: شنیدم امام رضا علیه السلام می‌فرمود:

ابن ابی حمزه گمان می‌کرد که جعفر خیال می‌کند پدرم قائم آل محمد است؛ ولی جعفر از آنچه می‌باید پیش از ظهور قائم پدید آید، اطلاع نداشت. به خدا قسم! خداوند از زبان پیامبرش این طور نقل می‌کند: «من نمی‌دانم بر من و شما چه خواهد گذشت، من فقط از آنچه از راه وحی به من فرموده، پیروی می‌کنم». (انعام: ۵۰).

جدّم امام باقر علیه السلام می‌فرمود: «چهار حادثه پیش از قائم خواهد بود که علامت ظهور او است» آن گاه امام رضا علیه السلام فرمود: «سه حادثه به وقوع پیوسته و یک حادثه دیگر باقی مانده است». عرض کردم: «حوادثی که گذشته، کدام است؟» فرمود: «اول ماه رجب بود که صاحب خراسان در آن ماه، خلع شد. دوم ماه رجبی بود که بر پسر زبیده شوریدند. سوم، ماه رجبی است که محمد بن ابراهیم در آن ماه، از کوفه قیام کرد». عرض کردم: «آیا رجب چهارم هم به این سه ماه می‌پیوندد؟» فرمود: جدّم امام محمدباقر علیه السلام این طور فرموده است». (حمیری، همان: ص ۲۱۹)

احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

چقدر صبر پیشه کردن و انتظار فرج کشیدن، نیکو است! آیا نشنیده‌اید که پدرم امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: «چشم به راه باشید که من نیز چشم به راهم و منتظر باشید که من هم با شما از منتظران هستم. پس صبر پیشه گیرید که فرج آل محمد و ظهور حق، هنگام یأس و ناامیدی فرا خواهد رسید و این را هم بدانید آن‌ها که پیش از شما بودند، بیش از شما صبر کرده‌اند». امام محمدباقر علیه السلام هم می‌فرمود: «به خدا قسم! آنچه در این امت است عیناً در امت‌های پیشین هم بوده است؛ از این رو باید میان شما آن باشد که میان پیشینیان وجود داشته است؛ به طوری که اگر به طرز خاصی زندگی می‌کردید، برخلاف روش مردم پیشین بودید. اگر علما افرادی را می‌یافتند که حقایق دین خدا و رازهای جهان هستی را به آن‌ها بگویند و می‌دانستند که این راز هم سر

بسته می ماند و [به دشمن نمی گوئید] بسیاری از حقایق و اسرار را می گفتند و حکمت‌ها را منتشر می ساختند؛ ولی خداوند شما را طوری آفریده است که اسرارش را فاش می کنید. شما مردمی هستی که با دل، ما را دوست می دارید؛ ولی عمل شما مخالف آن است. به خدا قسم! اختلاف شیعیان، آرام نمی گیرد و به همین سبب، صاحب شما پنهان می شود. چرا نمی توانید جلو خود را بگیرید و صبر کنید، تا خداوند متعال آن کس را که می خواهد، بیاورد؟ این کار [ظهور] به دلخواه مردم انجام نمی پذیرد؛ بلکه این امر خداوند و بسته به مشیت او است. بر شما است که صبر کنید. همیشه کسانی که از فوت شدن کاری وحشت دارند، در آن شتاب می کنند. (حمیری، همان: ص ۲۲۴)

ایوب بن نوح از ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود:  
هرگاه علم شما از پشت سرتان ظهور کرد، فرج را از زیر پایتان انتظار کشید.  
(نعمانی، همان: ص ۱۷۴، ص ۹۸۷)

اسحاق بن صباح از ابوالحسن امام رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود:  
این امر [ولایت] به زودی به کسی می رسد که نامش فراموش شده است.  
(نعمانی، همان: ص ۱۷۴).

محمد بن ابی نصر گوید: ابا الحسن علیه السلام فرمود:  
به خدا قسم! آنچه شما چشم به سوی آن دوخته اید، واقع نمی شود، مگر بعد از اینکه تمییز داده شوید و امتحان بدهید و تا هنگامی که جز دسته ای اندک، کسی از شما شیعیان نمی ماند. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ؛ آیا گمان می کنید که شما را به حال خود می گذارند و تاکنون خداوند آن‌ها را که جهاد می کنند و ثابت قدم می ماند، نمی شناسد؟» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۶۸).

حسن بن جهم گوید: شخصی از امام ابوالحسن الرضا علیه السلام درباره فرج پرسید. حضرت فرمود: «چه می خواهی؟ می خواهی مفصل بیان کنم یا مجمل و سر بسته؟» عرض کرد: «به طور اجمال بفرمایید». حضرت فرمود: «هنگامی که پرچم‌های طایفه قیس در مصر و پرچم‌های (کنده) در خراسان به حرکت آمد، آن گاه موقع فرج است». (طوسی، همان: ص ۲۷۶)

همچنین حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام روایت کرد که فرمود:

آشوبی روی می‌دهد که زیرکان و محتاطان از خواص ما به آن گرفتار آیند و این، زمانی است که شیعیان، سوّمین از اولاد مرا از دست بدهند که اهل آسمان و زمین بر وی گریه کنند.

سپس فرمود:

پدر و مادرم فدای او باد! هم نام جدّم و شبیه به من و شبیه موسی بن عمران است. بر او گریبان و طوق‌های نور است که از شعاع نور قدس، پرتو گرفته است. چه بسیارند مؤمنانی که هنگام از دست دادن آب صاف و گوارا [امام مهدی علیه السلام] متأسّف و تشنه و محزون شوند. گویی آنها را در ناامیدی می‌بینم که ندا می‌شوند به ندایی از دور که گویی از نزدیک هم شنیده شود: او رحمتی بر مؤمنان و عذابی بر کافران است. (صدوق، همان: ص ۳۷۰)

حسین بن خالد گوید که علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

«کسی که ورع نداشته باشد، دین ندارد و کسی که تقیه نداشته باشد، ایمان ندارد. گرامی‌ترین شما نزد پروردگار، کسی است که بیشتر به تقیه عمل کند». گفتند: «ای فرزند رسول خدا! تا کی؟» فرمود: «تا روز وقت معلوم که روز خروج قائم ما اهل بیت است. کسی که تقیه را پیش از خروج قائم ما ترک کند، از ما نیست». گفتند: «ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟» فرمود: «چهارمین از فرزندان من، فرزند سرور کنیزان. خداوند به واسطه وی، زمین را از هر ستمی پاک کند و از هر ظلمی منزّه سازد. او کسی است که مردم در ولادتش شک کنند و او کسی است که پیش از خروجش، غیبت کند و آن گاه که خروج کند، زمین به نورش منور شود... او کسی است که زمین برای او پیچیده شود و برای او سایه‌ای نباشد. او کسی است که از آسمان، ندا کننده- ای او را با نام ندا کند و وی دعوت نماید؛ به گونه‌ای که همه اهل زمین صدای او را بشنوند. او می‌گوید: «آگاه باشید حجت خدا در بیت خدا ظهور کرد؛ از او پیروی کنید؛ حق با او است و در او است. و این همان قول خدای متعال است که می‌فرماید: «اگر بخواهیم آیه‌ای را بر آنها از آسمان نازل می‌کنیم، تا گردن هاشان برابر او خاضع شود. (صدوق، همان: ص ۳۷۱)

عبدالسلام هروی گوید: از دعبل خزاعی شنیدم که می‌گفت: بر مولای خود امام

رضا عليه السلام قصیده خود را خواندم که این چنین آغاز می‌شود:  
مدارسُ آیاتِ خلت من تلاوة و منزل و وحی مقفر العرصات  
(مراکز فرهنگی و مدارس قرآنی‌ای که از تلاوت تهی شده است  
و منزل وحی که عرصه‌های آن به بیابان‌های بی‌آب و علف مبدل شده)

تا به این بیت رسیدم:

خروج امام لا محالة خارج یقوم علی اسم الله و البرکات  
ظهور امامی که حتماً باید بیاید او به نام خدا و برکات او قیام می‌کند)  
یمیز فینا کلّ حقّ و باطل و یجزی علی النعماء و النقمات  
(تا میان ما هر حقی را از باطل جدا کند و پاداش هر نعمت و نقمتی را ادا کند)

امام رضا عليه السلام به سختی گریست. سپس سر مبارکش را بلند کرده، فرمودند: «ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری ساخت. آیا می‌دانی این امام کیست و کی قیام می‌کند؟» گفتیم: «نه مولای من! فقط شنیده‌ام که امامی از شما خروج می‌کند و زمین را از فساد، پاک و آن را از عدل آکنده می‌سازد، آن چنان که از ستم پر شده باشد». فرمود: «ای دعبل! امام پس از من، فرزندم محمد است و پس از او فرزندش، علی و پس از او فرزندش، حسن و پس از حسن، فرزند او حجت قائم که در دوران غیبتش منتظر او باشند و در ظهورش از او اطاعت کنند. اگر از دنیا جز یکروز باقی نمانده باشد، خدای متعال آن را طولانی می‌نماید تا او خروج کند و زمین را از عدل آکنده نماید؛ آن چنان که از ستم پر شده باشد. اما چه زمانی خواهد بود؟ این اخبار از وقت ظهور است و پدرم از پدرانش روایت کند که به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: «ای رسول خدا! قائم از فرزندان شما کی خروج می‌کند؟» فرمود: «مَثَل او مَثَل قیامت است که «کسی جز خدا وقت آن را معلوم نمی‌کند. این مطلب در آسمان‌ها و زمین گران آمده، به طور ناگهانی به سوی شما خواهد آمد. (صدوق، همان: ص ۳۷۲)

## برخورد با ظالمان و تأییدکنندگان ظلم

عبدالسلام هروی می‌گوید:

محضر مبارک حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! درباره روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده و آن حضرت فرمودند: هرگاه حضرت قائم علیه السلام خروج کند، فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را به سبب کردار پدرانشان می‌کشد، چه می‌فرمایید؟» حضرت فرمود: «واقع، همین است». عرض کردم: «پس فرموده خداوند در قرآن که «هیچ کس بار گناه دیگری را بردوش نگیرد» معنایش چیست؟»

حضرت فرمود: «خداوند در همه اقوالش صادق است؛ ولی باید توجه داشته باشی که فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام به افعال و کردار پدرانشان راضی بودند و به آن‌ها افتخار هم می‌کردند، لذا همچون قاتلان سیدالشهداء می‌باشند. اگر شخصی در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب راضی و خشنود باشد، هر دو نزد خداوند، شریک در قتل می‌باشند...»

و چون این فرزندان به کردار پدرانشان راضی می‌باشند، لاجرم حضرت قائم علیه السلام قیام نموده، ایشان را قصاص می‌کند». محضرش عرضه داشتم: «چرا حضرت وقتی قیام فرمود، اول ایشان را قصاص می‌کند؟» حضرت فرمود: «قائم علیه السلام از بنی شبیه آغاز می‌کند، به این صورت که دستانشان را قطع می‌فرماید؛ زیرا آن‌ها سارقین بیت الله می‌باشند. (صدوق، ۱۳۸۶، الف: ص ۲۱۸)

## سخن آخر

پایان این بحث را با یکی از سخنان گهربار امام رضا علیه السلام درباره تأکید بر پیروی از ائمه دوازده گانه مزین می‌کنیم. حسین بن خالد از علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث کند که فرمود:

هر کس دوست دارد به دین من چنگ زند و پس از من بر کشتی نجات سوار شود، از علی بن ابی طالب پیروی کند و دشمنش را دشمن، و دوستش را دوست بدارد و از امامان و فرزندان او اطاعت کند. همانا آن‌ها جانشینان من و اوصیای من و حجت‌های خدا بر بندگان پس از من هستند. او بهترین امت من و حرکت دهنده مومنان به سوی بهشت است. حزب آن‌ها حزب من و حزب

من، حزب خدا است و حزب دشمنان آن‌ها، حزب شیطان است. (صدوق، ۱۴۱۷: ص ۷۰)

### همدم و مونس امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت

حسن بن فضال گوید: شنیدم حضرت رضا علیه السلام می فرمود:

چون خضر آب زندگانی نوشید، تا نفخ صور زنده است. او نزد ما می آید و به ما سلام می کند. ما صدای او را می شنویم؛ ولی خود او را نمی بینیم. هر جا از وی نام برند، حاضر می شود. هر کسی از شما نام او را می برد، به وی سلام کند. خضر هر سال در موسم حج حاضر می شود و همه اعمال حج را انجام می دهد. او در عرفه وقوف می کند و برای استجاب دعاى مؤمنان آمین می گوید. به زودی خداوند وحشت قائم ما را در طول غیبتش، به وسیله انس یافتن با او برطرف می کند و تنهایی او را به رفاقت با وی مبدل می سازد.<sup>۱</sup>

### یاران حضرت مهدی علیه السلام

درباره سپاه و یاران حضرت نیز می توان اقسامی از یاوران را بر حسب روایات امام رضا برشماریم:

#### ۱. فرشتگان

ریان بن شبیب گوید: بر حضرت رضا علیه السلام در روز اول ماه محرم وارد شدم، حضرت فرمود: ... و لقد نزل إلى الأرض من الملائكة أربعة آلاف لنصره فلم يؤذن لهم فهم عند قبره شعثٌ غبر إلى أن يقوم القائم علیه السلام. فیکونون من أنصاره و شعارهم «یا لشارات الحسین»؛

۱. حسن بن فضال قال: سمعت ابا الحسن الرضا علیه السلام يقول: «إن الخضر شرب من ماء الحياة فهو حي لا يموت حتى ينفخ في الصور و إنه ليأتينا فيسلم فنسمع صوته ولا نرى شخصه و إنه ليحضر حيث ما ذكر فمن ذكره منكم فليسلم عليه و انه ليحضر الموسم كل سنة فيقضى جميع المناسك و يقف بعرفة فيؤمن على دعاء المؤمنين و سيؤنس الله به وحشة قائمنا في غيبته و يصلُّ به وحدته» (كمال السدين، ج ۲، ص ۳۹۰، ب ۳۸؛ الدر النظيم، ص ۷۵۹).

... و چهار هزار ملک از فلک برای یاری آن جناب به زمین نزول کردند. آن بزرگوار ایشان را اذن جهاد نداد؛ پس ایشان نزد قبر آن مظلوم، پیوسته موبریشان و غبارآلوده‌اند، تا روزی که قائم آل محمد ظهور کند و از یاران او باشند و شعار و علامت ایشان در آن روز این است که فریاد کنند: «یا لثارات الحسین»... (صدوق، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۹۲)

## ۲. حضرت عیسیٰ علیه السلام

حسن بن جهم گوید: روزی به مجلس مأمون وارد شدم. حضرت رضا علیه السلام آنجا بود و علمای علم کلام و فقهای هر فرقه و طایفه‌ای در آن مجلس بودند... مأمون پرسید: «شما درباره رجعت چه می‌فرمایید؟» امام علیه السلام فرمود:

«آن، بجا و حق است، و در امت‌های پیشین هم بوده است. قرآن مجید هم بدان ناطق است، و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم فرموده است: هر چه در امت‌های سابق، اتفاق افتاده است، در این امت نیز اتفاق خواهد افتاد؛ بی‌کم و کاست و بدون تفاوت و فرمود: هر گاه مهدی امت از اولاد من خروج کند، عیسی بن مریم نازل شود، و پشت سر او با او نماز گزارد و فرمود: «اسلام، با غریبی شروع شد و به زودی به غربت باز گردد؛ پس خوشا به حال غربا» پرسیدند: «یا رسول الله سپس چه خواهد شد؟» فرمود: «سپس حق به صاحبش باز خواهد گشت...»<sup>۱</sup>

۱. عن الحسن بن الجهم قال: حضرت مجلس المأمون يوماً و عنده علی بن موسی الرضا علیه السلام و قد اجتمع الفقهاء و اهل الکلام من الفرق المختلفة... فقال المأمون: «یا ابا الحسن فما تقول فی الرجعة؟» فقال الرضا علیه السلام: «انها لحق قد كانت فی الأمم السالفة و نطق بها القرآن و قد قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ینزل علی هذه الامة کل ما کان فی الامم السالفة حدو النعل بالنعل و القذة بالقذة» قال علیه السلام: «اذا خرج المهدي من ولدی نزل عیسی بن مریم علیه السلام فصلی خلفه» و قال علیه السلام: «إن الإسلام بدأ غریبا و سيعود غریبا فطوبی للغریاء» قيل: «یا رسول الله! ثم ینزل الله! ثم ینزل الله! فماذا؟ قال: «ثم یرجع الحق إلی أهله» (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۰۰؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۳۵).

## رجعت

صفوان بن یحیی گوید: شنیدم ابو الحسن رضا علیه السلام درباره رجعت می فرمود:  
کسانی که از مؤمنان مرده باشند، کشته می شوند و کسانی که کشته شده باشند،  
می میرند!

رجعت، از جمله اعتقادات ضروری ثابت شده نزد ما امامیه است. در روایات است  
که برخی از مؤمنان و برخی از کافران و کسانی که دارای ایمان محض یا کفر  
محض هستند رجعت خواهند کرد؛ ولی تفصیل برخی امور در رجعت مانند اینکه  
مؤمنی که قبلاً مرده در رجعت کشته و شهید خواهد شد و بر عکس در صورتی  
که مستند معتبری داشته باشد، به آن استناد خواهد شد.

### توسل به امام مهدی در سختی‌ها

سید بن طاووس گوید: و از آن جمله، دعایی است برای مولای ما حضرت امام  
رضا علیه السلام که آن را در کتاب اصل - که از مصنفات یونس بن بکیر است - یافتیم.  
یونس گفته که از مولای خود حضرت امام رضا علیه السلام خواستم که به من دعایی  
تعلیم کند که آن را در سختی‌ها بخوانم. آن حضرت به من فرمودند: «محافظة  
کن آنچه را که برای تو می نویسم و آن را در هر سختی بخوان که حاجت تو  
برآورده می شود و آنچه را که آرزو نمایی، به تو عطا می کنند»؛ پس برای من این  
دعا را نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم ان ذنوبي و كثرتها قد اخلقت و جهي عندك... اللهم  
و قد أصبحت يومی هذا لا ثقة لی ولا رجاء و لا ملجأ و لا مفزع ولا منجی غیر من  
توسلت بهم متقرباً الی رسولک محمد صلی الله علیه و آله ثم علی أمير المؤمنين و الزهراء سیده  
نساء العالمین و الحسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد  
و علی و الحسن و من بعدهم یقیم المحجة الی الحجة المستورة من ولده المرجو

۱. عن صفوان بن یحیی عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: سمعته یقول فی الرجعة: «من مات من المؤمنین  
قُتل، و من قُتل منهم مات» (مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۶).

لأمة من بعده فاجعلهم في هذا اليوم و ما بعده حصني من المكاره و معقلي من المخاوف و نجني بهم من كل عدو و طاغ و باغ و فاسق و من شر ما أعرف و ما أنكر و ما استتر عني و ما أبصر و من شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها إنك على صراط مستقيم.

اللهم بتوسلي بهم إليك و تقربي بمحبتهم و تحصني بإمامتهم افتح عليّ في هذا اليوم أبواب رزقك و انشر عليّ رحمتك و حبّني إلى خلقك و جنبني بغضهم و عداوتهم انك على كل شيء قدير؛

به نام خدای بخشاینده مهربان. خداوندا! به درستی که گناهان من و بسیاری آنها به تحقیق که کهنه کرده است روی مرا نزد تو... خداوندا! و به تحقیق که داخل در صبح شدم در این روز خودم؛ در حالی که نیست اعتمادی برای من و نه امیدی و نه پناهی و نه گریزگاهی و نه محلّ نجاتی به جز آن کسانی که متوسّل شده‌ام به ایشان و به سوی تو نزدیکی جسته‌ام به سوی فرستاده تو؛ یعنی حضرت محمد - رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او - پس بعد از او پیشوای مؤمنان که حضرت علی است - بر او باد درود - و بعد از او حضرت فاطمه زهرا که برگزیده همه زنان عالمیان است و حضرت امام حسن و امام حسین و امام علی بن حسین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق و امام موسی و امام علی رضا و امام محمد تقی و امام علی نقی و امام حسن عسکری و کسی که بعد از ایشان به پای دارنده دین است تا به حجت و دلیل روز قیامت که [پنهان است و] از اولاد پیغمبر است و امید داشته‌شده از برای امت است بعد از پیغمبر بر او و بر ایشان باد درود. خداوندا پس بگردان ایشان را در این روز و در پس این روز، حصار - و پناه و محل امن - من که نگاه دارند مرا از ناخوشی‌ها و قلعه و پناه من که محافظت نمایند مرا از آنچه می‌ترسم از آنها و رهایی ده مرا به سبب ایشان از هر دشمنی و از هر تجاوزکننده‌ای و از هر فاسقی و ستمکاری و از شر آنچه می‌شناسم آن را و نمی‌شناسم آن را و آنچه پوشیده است از من و آنچه می‌بینم و از شر هر جانور حرکت‌کننده‌ای که ای پروردگار من! تو گرفته‌ای پیش سر او را. به درستی که تو بر راه راستی، خداوندا! پس به حق وسیله جستن من به ایشان به سوی تو و نزدیکی جستن من به وسیله دوستی ایشان و متحصن شدن من به اقرار به امامت ایشان بگشای بر من در این روز درهای روزی از جانب خود را و پهن

کن بر من رحمت خود را و دوست گردان مرا به سوی مخلوقات خود و دور گردان مرا از کینه ایشان و دشمنی ایشان، به درستی که تو بر همه چیز بسیار توانایی ... (ابن طاووس، ۱۳۲۳: ص ۲۵۳).

مقاله را با دو دعای منقول از امام رضا علیه السلام که درباره امام زمان علیه السلام است خاتمه می‌دهیم:

### ۱. دعا برای حضرت حجت علیه السلام در قنوت نماز

مقاتل بن مقاتل روایت کرده است امام رضا علیه السلام فرمود: «در قنوت نماز جمعه چه می‌گویید؟» عرض کردم: «آنچه مردم می‌گویند» فرمود: «همانند آنان نگو؛ بلکه چنین بگو»:

اللهم أصلح عبدك و خليفتك بما اصلحت به أنبيائك و رسلك و حفه بملائكتك و أئمة بروح القدس من عندك و اسلكه من بين يديه و من خلفه رصداً يحفظونه من كل سوء و أبدله من بعد خوفه امناً يعبدك لا يشرك بك شيئاً و لاتجعل لأحد من خلقك على وليك سلطاناً و اذن له في جهاد عدوك و عدوه و اجعلني من أنصاره انك على كل شيء قدير؛

بار الها! کار ظهور بنده شایسته و خلیفه راستینت [امام مهدی] را اصلاح فرما، همان گونه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح کردی و از فرشتگانت نگاهبانی بر او بگمار و از عنایات خویش با [روح القدس] او را یاری و پشتیبانی فرما. و دیده بانانی از پیش رو و پشت سر همراه وی گردان، تا از هر بدی نگاهش دارند و ترس و هراس او را به امن و امان دگرگون ساز که او تورا می‌پرستد و هیچ چیز را همتا و همانند تو نمی‌داند؛ پس برای هیچ یک از آفریدگانت برتری و چیرگی نسبت به (ولی) خودت قرار مده. و او را در جهاد با دشمنت و دشمنش اجازه فرما. و مرا از یاران او بشمار آور که همانا بر هر کاری توانائی. (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۶)

### ۲. دعا برای امام مهدی علیه السلام در هر روز

شیخ طوسی گوید که طبق روایت یونس بن عبدالرحمن امام رضا علیه السلام به دعا برای صاحب الامر به وسیله این عبارت امر می‌فرمود:

اللهم ادفع عن وليك و خليفتك و حجتك على خلقك ولسانك المعبر عنك  
الناطق لحكمتك و عينك الناظرة بإذنك و شاهدك على عبادك الجحجح  
المجاهد العائد بك العابد عندك. و أعذه من شر جميع ما خلقت و برأت و أنشأت و  
صوّرت واحفظه من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و من فوقه و من  
تحتة بحفظك الذي لا يضيع من حفظته به و احفظ فيه رسولك و آباءه أئمتك و  
دعائم دينك و اجعله في وديعتك التي لا تضيع و في جوارك الذي لا يخسر و في  
منعك و عزك الذي لا يقهر. و آمنه بأمانك الوثيق الذي لا يخذل من آمنته به.  
واجعله في كفك الذي لا يرام من كان فيه. و انصره بنصرك العزيز. و أيده بجنحك  
الغالب. و قوه بقوتك و أردفه بملائكتك. و وال من والاه و عاد من عاداه. و ألبسه  
درعك الحصينة و حفّه بالملائكة حفاً.

اللهم اشعب به الصدع و ارتق به الفتق و أمت به الجور و أظهر به العدل، و زين  
بطول بقائه الأرض و أيده بالنصر و انصره بالرعب. و قوّ ناصرته و اخذل خاذليه و  
دمدم من نصب له و دمر من غشه و اقتل به جبابرة الكفر و عُمده و دعائمه و اقسم  
به رؤوس الضلالة و شارعة البدع و مميتة السنة و مقوية الباطل. و ذلّل به الجبارين  
و أبر به الكافرين و جميع الملحدين في مشارق الأرض و مغاربها؛ برّها و بحرّها  
سهلها و جبلها حتى لا تدع منهم ديناراً و لا تبقى لهم آثارا.

اللهم طهر منهم بلادك و اشف منهم عبادك و أعز به المومنين و أحى به سنن  
المرسلين و دارس حكم النبيين و جدد به ما محى من دينك و بدّل من حكمك  
حتى تعيد دينك به و على يديه غضاً جديداً صحيحاً محضاً لا عوج فيه و لا بدعة  
معه و حتى تنير بعدله ظلم الجور و تطفئ به نيران الكفر و تظهر به معاهد الحق و  
مجهول العدل و توضح به مشكلات الحكم.

اللهم و إنه عبدك الذي استخلصته لنفسك و اصطفتيته من خلقك و اصطفتيته على  
عبادك و ائتمنته على غيبك و عصمته من الذنوب و برأته من العيوب و طهرته من  
الرجس و صرفته عن الدنس.

اللهم فانا نشهد له يوم القيامة و يوم حلول الطامة أنه لم يذنب ذنباً و لم يات حوباً و  
لم يرتكب لك معصيةً و لم يضيع لك طاعةً و لم يهتك لك حرمةً و لم يبدل لك  
فريضةً و لم يغير لك شريعةً و أنه الامام التقى الهادي المهتدى الطاهر التقى الوفي  
الرضي الزكي.

اللهم فصل عليه و على آبائه و أعطه في نفسه و ولده و أهله و ذريته و أمته و

جميع رعيته ماتقر به عينه و تسر به نفسه و تجمع له ملك المملكات كلها، قريبتها و بعيدها و عزيزها و ذليلها، حتى يجرى حكمه على كل حكم و يغلب بحقه كل باطل.

اللهم واسلك بنا على يديه منهاج الهدى و المحجة العظمى و الطريقة الوسطى التى يرجع إليها العالى و يلحق بها التالى. اللهم وقونا على طاعته و ثبتنا على مشايعته و امنن علينا بمتابعته و اجعلنا فى حربه ألقوامين بأمره الصابرين معه الطالبين رضاك بمناصحتة. حتى تحشرنا يوم القيامة فى أنصاره و أعوانه و مقوية سلطانه.

اللهم صل على محمد و آل محمد و اجعل ذلك كله منا لك خالصاً من كل شك و شبهة و رياء و سمعة حتى لا نعتد به غيرك و لا نطلب به إلا وجهك و حتى تحلنا محلّه و تجعلنا فى الجنة معه و لا تبتلنا فى أمره بالسأمة و الكسل و الفترة و اجعلنا ممن تنتصر به لدينك و تعز به نصر وليك و لا تستبدل بنا غيرنا فان استبدالك بنا غيرنا عليك يسير و هو علينا كبير؛ (طوسي، همان: ص ۴۰۹)

ای پروردگارا! تو هر بلا را دفع کن از ولی خود و خلیفه خویش و حجت بر خلق عالمت و زبانت که از تو به سخن آید و به حکمت بالغ تو گویا باشد و چشم بینای تو که به امر تو می‌نگرد و گواه بندگان تو و بزرگ ترین مجاهدان در راه تو و پناه آورنده به حضرتت و بندگی حضور حضرتت کند. ای خدا! او را از شر همه مخلوقات که ایجاد فرمودی، در پناه خود حفظ کن و از شرور پیش رو و پشت سر و طرف راست و چپ و از بالا و پایین از همه آنها او را حفظ کن که هر کس را تو حفظ کنی، مصون از هر فساد و نابودی است.

نیز به وجود مبارک او پیغمبر اکرمت و پدران او امامان هدی را که ارکان دین تو هستند، همه را حفظ فرما و او را قرار ده در مخزن ودایع خود که هرگز ضایع در جوار تو نخواهد شد و در آن محیط قوت و عزتت که هرگز کسی مقهور نمی‌شود. و او را در پناهگاه محکم و استوار خود ایمن بدار که هر کس آنجا درآید، در امان از هر خذلان است و او را در کنف حمایت خود بدار که هر کس آن جا است، بی‌آرام و ناشاد نگردد. او را به نصرت با عزت خود منصور دار و به سپاه غالب و قاهر خویش مؤید فرما و به قوت و نیروی [نامتناهی] خود قوی و نیرومند گردان و فرشتگان را با او همراه ساز و دوستانش را دوست دار و دشمنانش را دشمن دار و جوشن حفظ خود را بر او بیوشان و گرداگرد وجود مبارکش فرشتگان را برای محافظت بدار.

پروردگارا! تفرقه و پریشانی‌های آفریدگان را به وجود او جمع گردان و رخنه‌های خلق را مسدود ساز و جور و ظلم را نابود و حکومت عدل و عدالت کامل را به وجود حضرتش در جهان ظاهر ساز و اهل زمین را به طول بقای او زینت و کمال بخش و به یاری خود، آن حضرت را مؤید فرما و به رعب و ترس دشمنان از او، او را منصور بر دشمنان ساز. یاوران او را قوی و نیرومند و آنان که ترک یاری او کنند، آن‌ها را مخذول و مغلوب ساز و آنان که به دشمنی او قیام کنند، هلاک گردان و کسانی که با او مکر و دغل ورزند، نابود ساز و ستمگران اهل کفر و سرکشان و رؤسای آن‌ها را به شمشیر آن حضرت به خاک هلاک انداز و پشت رؤسای ضلالت را به واسطه او بشکن و کسانی که وضع بدعت و محو سنت الهی کنند و باطل را قوی سازند، در هم شکن و به وجود آن بزرگوار، جباران ظالم را ذلیل گردان و کافران و ملحدان بی‌دین را از همه روی زمین از مشرق و مغرب و بر و بحر و صحرا و کوه ریشه کن ساز که دیگر جنبنده‌ای از کافران و اثری از آثار ملحدان در جهان باقی نگذاری....

این بود بخشی از روایات امام رضا علیه السلام که با امام مهدی علیه السلام ارتباط داشت و در کتب احادیث، ادعیه و تفاسیر آورده شده بود و ما بر آن دست یافتیم و چنانچه بیش از این تتبع شود، شاید به روایات بیشتری دست یابیم.

## منابع

۱. ابن طاووس، رضی‌الدین، *جمال الاسبوع*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۵ق.
۲. \_\_\_\_\_، *مهج الدعوات*، تهران، سنایی، ۱۳۲۳ش.
۳. ابو عمرو، *إختیار معرفة الرجال* (رجال کشی)، مشهد، دانشگاه، ۱۳۴۸ش.
۴. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمّة*، بیروت، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۸۱ق.
۵. بغدادی، ابن خشاب، *تاج الموالید*، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۶ق.
۶. حلی، حسن بن سلیمان، *مختصر بصائر الدرجات*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۳ق.
۷. حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، قرن سوم هـ قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۳ق.

۸. خصیبی، ابو عبدالله، الهدایة الكبرى، بیروت، مؤسسة بلاغ، ج ۴، ۱۴۱۱ق.
۹. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسة الامام المهدي، ۱۴۰۹ق.
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، مصر، عیسی حلیبی، بی تا.
۱۱. سهمی، ابوالقاسم الجرجانی، تاریخ جرجان، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۱ق.
۱۲. شامی جمال الدین، الدر النظیم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۵ش.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، امالی، قم، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ق.
۱۴. \_\_\_\_\_، کمال الدین و تمام النعمة، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۵ق.
۱۵. \_\_\_\_\_، علل الشرائع، نجف، مکتبة الحیدریة، ۱۳۸۶ق.
۱۶. \_\_\_\_\_، عیون أخبار الرضا علیه السلام، نجف، مکتبة الحیدریة، ۱۳۸۶ق.
۱۷. طبرسی ابو علی، اعلام الوری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۱۹. طبسی، نجم الدین، تا ظهور، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ج ۲، ۱۳۸۹ش.
۲۰. \_\_\_\_\_، معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام - با همکاری نویسندگان - قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۲۸ق.
۲۱. طوسی، ابو جعفر، مصباح المتجهد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.
۲۲. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۲۳. عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۲۴. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
۲۵. قندوزی، سلیمان بنی ابراهیم، حنفی، ینابیع المودة، قم، کتابفروشی محمدی، ۱۲۹۴ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۸. \_\_\_\_\_، مرآة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۲۹. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، نعمانی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۶۰ش.
۳۱. مفید. محمد بن محمد بن نعمان، ارشاد، قم، بصیرتی، ۱۴۱۳ق.
۳۲. نباطی، زین الدین، الصراط المستقیم، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۴ش.
۳۳. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۳۲۹ش.